



سیدرضا کسائی زاده

شرکت‌های اروپایی بر این موضوع واقفند که پروژه ناباکو با حضور جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر خواهد بود چرا که بنابر مطالعات و بررسی‌های انجام شده، ایران مستقیم‌ترین، ایمن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر است و با وجود برخی مسائل سیاسی، ایران آمادگی بررسی الحاق به حضور در جمع تأمین‌کنندگان گاز اروپا از طریق این خط لوله را که در سال ۲۰۱۵ به بهره‌برداری خواهد رسید، دارد. احداث خط لوله ناباکو از سوی چهار کشور اروپایی ترکیه انجام شده است و ایران به دلیل ایجاد بستر لازم جهت توسعه بازار جهانی گاز از شکل‌گیری آن حمایت می‌کند، ضمن آنکه توافقی صورت گرفته در ترکیه صرفاً در ارتباط با کشورهای ترانزیت‌کننده و خریدار گاز است. از آنجا که بیش از ۵۰ درصد هزینه احداث خط لوله ناباکو در خاک ترکیه انجام می‌گیرد، ایران نیز در مرز ترکیه آماده هرگونه همکاری در زمینه فروش گاز برای متقاضیان شرکت‌های اروپایی است. از سوی دیگر شرکت‌های اروپایی بر این موضوع که خط لوله ناباکو با حضور جمهوری اسلامی ایران اقتصادی و امکان‌پذیر خواهد بود، واقف هستند و هم‌اکنون آنها به دنبال مذاکره با شرکت ملی صادرات گاز ایران به منظور خرید گاز طبیعی و مشارکت در پروژه‌های گازی ایران هستند که برخی از این مذاکرات منجر به تهیه قرارداد شده و تعدادی نیز در مراحل پایانی است.

ایران خط لوله پارس را به عنوان مسیر اصلی خود برای صادرات گاز طبیعی به اروپا انتخاب کرده است. در این رابطه تاکنون شرکت‌های مختلف اروپایی از آلمان، ترکیه، بلغارستان، ایتالیا و اتریش مذاکره‌هایی را برای خرید گاز از ایران انجام داده‌اند. از سوی دیگر بحث تعیین قیمت و برخی مسائل سیاسی مهم‌ترین موانع صادرات گاز ایران به اروپا است، اما با راهکارهای در نظر گرفته شده، پیش‌بینی می‌کنیم این دو مورد نیز به طور کلی حل شود. ظرفیت انتقال گاز خط لوله پارس حدود ۱۱۰ میلیون مترمکعب در روز بوده که قرار است این خط لوله با عبور از ترکیه به یونان، ایتالیا و سوئیس کشیده شود و پس از آن به اتریش و آلمان برسد. برای ساخت این خط لوله به حدود چهار میلیارد دلار سرمایه نیاز است و قرار است گاز مورد نیاز آن از طریق ۵ فاز پارس جنوبی تأمین شود. در صورت اجرایی شدن این طرح با ظرفیت انتقال سالانه ۳۷ میلیارد مترمکعب گاز، مقدار گاز منتقل شده ۲۰ درصد بالاتر از خط لوله‌های ناباکو و جریان جنوبی است که حدود یک چهارم نیاز گازی اروپا را تأمین خواهد کرد. ایران برای صادرات حجم قابل توجه گاز نیز تا ۱۰ سال آینده برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده است و از این رو با توجه به افزایش تقاضای جهانی، پیش‌بینی می‌کنیم تا ۱۰ سال آینده ۲۱۵ میلیون مترمکعب گاز از طریق خط لوله و معادل ۳۵۶ میلیون مترمکعب گاز از طریق LNG صادرات گاز داشته باشیم. از سوی دیگر با توجه به وجود ذخایر قابل توجه گاز طبیعی در کشور و پیش‌بینی افزایش چشمگیر مصرف در نقاط مختلف دنیا دسترسی به هدف دور از دسترس به نظر نمی‌رسد. به نظر ما هم‌اکنون سران کنسرسیوم ناباکو بر روی منابع گازی تکیه کرده‌اند که در آینده پاسخگوی نیازهای آنها نخواهد بود و ساخت خط لوله ناباکو هزینه‌های سرمایه‌گذاری سنگینی را به مشتریان خود تحمیل خواهد کرد، چرا که یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی اجرای خط لوله ناباکو مسئله بعد مسافت است که با قیمت‌های پایین نفت خام اجرای آن در مسافت‌های طولانی اصلاً توجیه اقتصادی ندارد. هم‌اکنون خریداران گاز ناباکو، ملاک قیمت را بهای گاز وارداتی اروپا در نظر می‌گیرند، اما با در نظر گرفتن هزینه‌های سنگین تولید، انتقال، نگهداری خط لوله و ترانزیت گاز، فروشندگان در محل تحویل در مقایسه با قیمت‌های وارداتی حتی نمی‌توانند هزینه‌های تولید خود را جبران کنند.

مدیر عامل شرکت ملی صادرات گاز ایران



حمیدرضا کاتوزیان

به نظر من قرارداد ناباکو فرصت بسیار بزرگی بود که از دست دادیم، البته این فرصت قابل ترمیم است، اما ترمیم آن باید از موضع اقتدار، شأن، منزلت ملت جمهوری اسلامی و نه منفعلانه باشد. واقعیت این است که قرارداد ناباکو قراردادی برای فروش گاز کشورهای آسیای مرکزی به اروپا و این یکی از قراردادهای استراتژیک انتقال گاز به اروپا و مهم‌ترین آثار آن قطع وابستگی اروپا نسبت به انرژی روسیه است، چرا که به دلیل مناقشاتی که بین آمریکا و اروپای غربی با روسیه

وجود دارد، برای آنکه اروپایی‌ها در بخش انرژی دچار چالش نشوند، متوسل به آن شدند که بخش بزرگی از گاز خود را از کشورهای آسیای مرکزی که عمدتاً کشورهایی با گرایش غربی و اروپایی دارند، تأمین کنند و از روسیه گاز نگیرند. بنابراین این قرارداد را مطرح کردند. اما ایران به عنوان دارنده دومین ذخایر گازی دنیا می‌توانست در این قرارداد نقش بسیار پراهمیتی را داشته باشد که در این صورت هم فروش گاز ایران کمکی به اروپا برای قطع وابستگی به گاز روسیه دارد و هم آثار بین‌المللی و خوبی را در رابطه با اروپا برای ما در مورد مسایل هسته‌ای می‌تواند داشته باشد. اما متأسفانه سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی ما که در این حوزه‌ها بسیار ضعیف است، باعث شد که ایران از قرارداد ناباکو حذف شد. به نظر من این موضوع را باید در ضعف و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی ما جست‌وجو کرد. این در حالی است که ما در بحث غنی‌سازی اورانیوم و داشتن تکنولوژی هسته‌ای دچار چالش هستیم و لازم است در این زمینه مناسبات خود را ترمیم کنیم و شرایطی به وجود آوریم که بتوانیم خواسته ملت را جامه عمل بپوشانیم که لازمه این امر آن است که در حوزه‌های مختلف با طرف‌های اروپایی ارتباط برقرار کنیم. اما متأسفانه ما به سمت شرق می‌رویم، البته این به معنای آن نیست که این کار اشتباه است، ولی اعتقاد ما بر آن است که باید یک توازن قوا برقرار کنیم و براساس تعادل رفتار خود را با غرب و شرق تنظیم کنیم، به گونه‌ای که نه مجبور شویم به شرق باج دهیم و ارتباطات غیر متعارفی را در حوزه‌های اقتصادی برقرار کنیم که مانند قرار دادن تمام تخم‌مرغ‌ها در یک سبد است و نه اینکه در رابطه با غرب رفتاری پیش بگیریم که انگار ما کلاً نیاز به ایجاد ارتباط اقتصادی با غرب نداریم.

بنابراین عدم توازن در سیاست‌های اقتصادی که در ارتباط با شرایط موجود بین‌المللی اتخاذ می‌کنیم یکی از آثار آن قرارداد ناباکو بود که می‌توانست آثار اقتصادی و سیاسی خوبی برای ما داشته باشد. جالب آن است که برخی از مسئولان گفته‌اند ما حاضریم تحت هر شرایطی وارد این قرارداد شویم که این موضع بسیار منفعلانه و ضعیفی است و در شأن ملت ایران نیست که بعضی مسئولان آن چنین موضع‌گیری کنند و یک نوع ضعف در برخورد نشان دهند.

البته ما که دومین کشور دارنده ذخایر گاز دنیا هستیم، اگر هم در ناباکو نباشیم باز هم غرب به ما احتیاج خواهد داشت، گر چه ما در این قرارداد می‌توانستیم با سیاست پیروزمندانه وارد این عرصه شویم و آثار مثبتی را برای کشورمان به وجود آوریم. در هر صورت در آینده باید با دقت بیشتری برخورد کنیم، هم مسئولان شأن و منزلت ملت را حفظ کنند و از موضع ضعف برخورد نکنند و هم هوشیار نسبت به ایجاد توازن در ارتباطات اقتصادی بین‌المللی باشند. به هر حال فرصت خوبی از دست رفته، زیرا ایران با حضور در این قرارداد اقتصادی می‌توانست چانه‌زنی خود را در مسایل سیاسی و از جمله هسته‌ای بالا ببرد. با شروع به کار کمیسیون انرژی در مجلس هشتم بحثی راجع به قرارداد خط لوله صلح داشتیم و جمع‌بندی را به ریاست مجلس ارائه کردیم. در واقع جلسه‌ای با آقای متکی و برخی مسئولان وزارت نفت داشتیم. جمع‌بندی ما آن بود که اگر بنابر دلایلی معتقدیم باید به شرق نزدیک شویم، لازم بود با غرب هم - با توجه به چالش‌های هسته‌ای که داریم - ارتباط مثبتی برقرار کنیم، اما این فرصت تا حدی از دست رفت.

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی